



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۰/۲۳

استاد شاه محمود محمود

بی بی حلیمه یا بوبو جان جیغه دار ملکه و خانم امیر عبدالرحمن خان

مقدمه:

زنانی زیاد در تاریخ افغانستان بودند که نقش های مثبت و منفی آنها آنچه که گفته میشود؛ گفته نشده است. در طول تاریخ از رخسانه بلخی ملکه اسکندر مقدونی، سودابه کابلی، سورییا شاعر دوره ویدی، بانو گشسپ، تهمنه سمنگانی، سیندخت دختر محراب شاه کابلی مادر رودابه، رایحه بلخی شاعر، سلطان رضیه پادشاه، زرغونه کاکر شاعر و خطاط، گوهر شاد بیگم بانو فاضل و دانشمند، گلبدن بیگم شاعر، زیب النساء شاعر، نازو مادر میرویس هوتکی، زرغونه مادر احمد شاه درانی، عایشه درانی شاعر، غازی ادی و ملالی زنان مبارز نبرد آزادی، مخفی بدخشی شاعر، عایشه مادر عبدالله جان ولیعهد امیر شیرعلی خان، بینظیر بیگم مادر بزرگ شاه امان الله، سرور سلطان علیا حضرت سراج الخواتین مادر شاه امان الله ملکه ثریا خانم شاه امان الله و بالاخره حلیمه جیغه دار ملکه رسمی امیر عبدالرحمن خان زن قدرت مند و صاحب اختیار سلطنت و صاحب مهر و تمغای جداگانه که همسری او را با شاه نشان میداد.

در مورد بی بی حلیمه مطالب جامع توسط دانشمند کشور اکادمیسین محمد اعظم سیستانی در کتابی «سیمای زن افغان در حماسه و تاریخ» بیان شده است اما در این مختصر سخنانی جدیدی و تصاویر از بی بی حلیمه برای بار اول می بینید. تصاویری که بی بی حلیمه با دیگر خواتین و زندگی ساده و بی الایش شاهانه ایشان که تا حال دیده نشده است

ملکه حلیمه جیغه دار یا بوبو جان جیغه:

بی بی حلیمه یا بوبو جان و یا شاه بوبو جان، دختر ملا سید عتیق الله پسر میر واعظ مشهور، و بی بی شمس جهان دختر امیر دوست محمد خان، خانم سوم امیر عبدالرحمن خان؛ مادر سکه سردار محمد عمر خان بود. موصوف در سنه ۱۲۸۰ یا ۱۲۸۲ هـ ق = ۱۸۶۳ یا ۱۸۶۵ م در شهر کابل در گذر بارانه تولد یافته بود. بی بی حلیمه در خانه پدر علوم متداوله را آموخته، در ادب و شعر معلومات خوبی داشت و از جوانی بسرودن اشعار میل پیدا کرد. در سنه ۱۲۹۶ هـ ق مطابق اواخر ۱۸۷۹ م وقتیکه امیر عبدالرحمن خان بطرف کابل آمد، شب در باغ بلند (باغ بالای امروزی) توقف کرد و در آنجا با عیان و ارکان دولت ملاقات نمود در ضمن صحبت با سردار محمد یوسف خان پرسید: که آیا کدام سردار زاده یا خواهرزاده ایکه لیاقت همسری را با او داشته باشد سراغ دارد؟ سردار محمد یوسف خان فوراً بی بی حلیمه را که در آن زمان ۱۵ یا ۱۶ ساله و در حسن و جمال کمتر از دیگران نبود؛ به امیر عبدالرحمن خان معرفی نمود و چند روز بعد از ورود مشارالیه بکابل نکاح او با بی بی حلیمه بسته شد. در حالیکه دو زن دیگر امیر هنوز به کابل نیامده بود گفته میشود که بی بی جان دختر جهاندارشاه در خان آباد وفات نموده بود. که امیر دلپسته عشق و جمال حلیمه گردید.

مهارت و کاردانی بی بی حلیمه:

حلیمه به مجرد که زن امیر شد اولین کار او بعد از نکاح، بخشیدن مهر خویش به امیر عبد الرحمن خان بود و چند روز بعد از آن بدون اجازه شوهر به زندان شهر رفته و دستور داد تا تمام محبو سین را رها کنند. وقتیکه امیر عبدالرحمن خان از این قضیه آگاهی یافت بر آشفت ولی نظر به علاقه و محبتی که بخاتم جوان خود داشت او را بخشید و از او قول گرفت که دوباره بدون مشوره و استیذان او به چنین کاری اقدام ننماید. بی بی حلیمه با این روش مبتکرانه لقب ملکه دربار را به خود اختصاص داد و نگین از الماس بر گوشه از چادر خویش نصب نمود که معروف به حلیمه جیغه دار گردید. موصوف زن نهایت سخی و مهمان نواز بوده خانه او هرگز

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

از مهمان و فقرا خالی نبود و همیشه در صدد کمک با غربا و بینوایان بود. حیات او با شوهرش خلاف آنچه که شاهان و سلاطین قبل از امیر عبدالرحمن؛ بسیار با عشق و محبت همراه بوده و به خوشی میگذشت، چه طوریکه قبلاً گفته شد امیر عبدالرحمن خان او را از صمیم قلب دوست داشت، خرسندی او را از هر چیز بالاتر میشمرد. محبت او به اندازه بود که اگر چه شاعر نبود و هرگز سروده انشأ نکرده بود؛ تنها در وصف بی بی حلیمه که بر او لقب (ببو جان) را گذاشته بود، قطعه ذیل را گفت:

مهد علیا صدر کبیری بی بی عفت شیم
زانکه از عزت شهش خوانده عیال محترم
الحق از مادر نزاده دختری امزاد او
صاحب حلیم و جاه و مایه جود و کرم

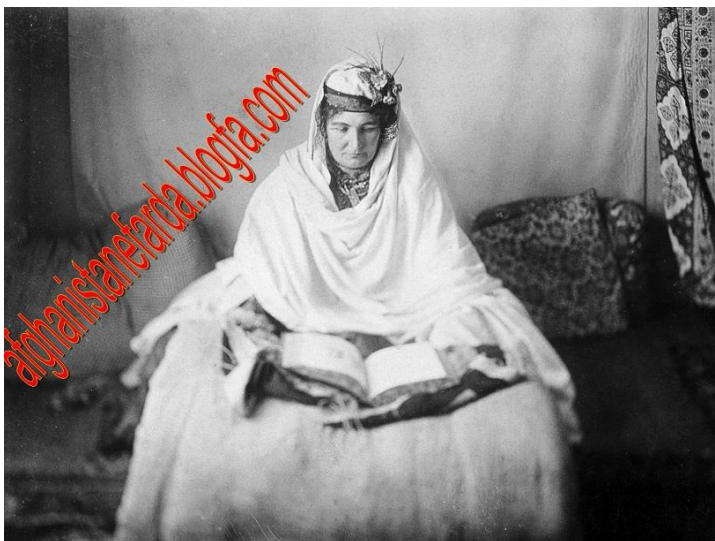
ببو جان گردش و میله را بسیار دوست داشت، و هر سال از اول بهار تا زمانیکه برف زمین را می پوشاند، تقریباً هر روز به باغی رفته، روز را در آنجا میگذشتاند. در آن هنگام خودش و مصاحبین و خدمه ها لباس مردانه پوشیده بالای آن پالان سیاه دراز می انداختند و چهره را با نقاب سیاه عینک دار میپوشانیدند. چون ببو جان به شعر و ساز علاقه مفراطی داشت. در مجالس و جشن ها از آهنگ های آنان لذت میبرد. وقتیکه امیر عبدالرحمن خان از کابل عزیمت می نمود، تا زمانیکه شهزاده حبیب الله بزرگ میشد، ببو جان جانشین او بوده تمام امور دولتی را اداره میکرد و چون صاحب هوش و تدبیر به خوبی از این عهده بپروا می گردید.

زندگی خانوادگی و سیاسی بی بی حلیمه:

ملکه بی بی حلیمه با وجودیکه نزدیکترین زن برای امیر عبدالرحمن خان نتوانست فرزند خویش محمد عمر خان را ولیعهد سلطنت بسازد. امیر در یکی از بیانات خویش گفته بود که خبط و خطای امیر شیرعلی خان عم خود را به خاطر ولیعهدی شهزاده عبدالله جان تکرار نخواهد کرد بنابراین پسر بزرگ خویش که بنابر گفته امیر از زن دوم اش (بی بی جان) دختر میرجهاندارشاه بدخشانی است. در حالیکه برخی نویسندگان انگلیس و عده بی از مورخین کشور ما حبیب الله و نصرالله را از گلریز نام کنیز و اخانی می نویسند. احتمالاً زمانیکه حبیب الله تولد شد امیر با گلریز نکاح نمود.

مداخله دولت هند بریتانیوی سبب شد که وایسرای هند در هنگام مسافرت امیر به راولپندی تلویحاً از ولیعهدی امیر پرسید که در جواب امیر گفته بود که برای این کار وقت است که ولیعهد را معرفی نمایم. اما در سال ۱۸۹۵ م زمانیکه سرحدات افغانستان تا حدودی خط کشی شد. ولیعهدی شهزاده حبیب الله محقق گردید لارذ کرزن که وایسرای هند بود از این ولیعهدی خشنود شد.

اما بی بی حلیمه خانم سوم نکاحی امیر عبدالرحمن خان بوده و دو پسر به دنیا آورده بود که پسر اولی به نام شمس الدین تولد جولای ۱۸۸۱ م وفات سپتامبر ۱۸۸۳ م. بار دوم پسری دیگر به تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۸۸۹ م به دنیا آورد نام ویرا محمد عمر گذاشت.



ملکه حلیمه جیغه دار تلاش زیاد نمود تا محمد عمر جان ولعهد گردد بنابراین هنوز یازده سال عمر داشت که برایش زن گرفت. موصوف به زودی صاحب فرزند شد که فقط دوازده سال از او کوچک بود. حلیمه گفته بود تا زمانیکه پسرش جوان شود دولت را اداره خواهد کرد. اما این مامول برآورده نشد و شهزاده حبیب الله پادشاه شد. بی بی حلیمه آرام نه نشسته تلاش نمود تا حبیب الله را از سلطنت خلع و جایش را به پسرش بدهد. بنابراین توطیه رویدست گرفت که در نطفه خاموش شد گفته میشود این توطیه توسط میرزا محمد حسین خان صافی پدر استاد خلیل الله خلیلی که کوتوال شهر بود کشف گردید. برای عاملان این دسیسه زندان مدنظر گرفته شد اما ملکه را گوشزد نموده که در آینده به چنین اقدام دست نزنند. و از بوستان سرای بیرون کرد به حرمسرای عبدالرحمن خان که در باغ بابر بود کوچ داد.

کارکرد های عمرانی و فرهنگی بی بی حلیمه:

بویو جان یا به گفته عبدالرحیم ضیایی فرزند محمد عمر جان نواسه بی بی حلیمه و امیر عبدالرحمن خان به لقب (شیمجان) ملکه رسمی افغانستان بود و در محافل دربار و هم در بین مردم از نفوذ و اعتبار فراوان برخوردار بود او اولین زن افغان بود (بعد از ملالی) که اکثراً سوار بر اسب پیشاپیش قطعات عسکری ظاهر می شد میتوانست در هر قضیه مداخله نموده و انرا به میل خویش اجرا کند حتی حکم اعدام امیر را نیز ملغی می نمود. (۱) بی بی حلیمه طبع موزون داشت و گاهی شعر میسرود ولی متأسفانه اکثر اشعارش از بین رفته و جز چند بیتی که در اخبار (ارشاد النسوان) بطبع رسیده ، چیزی باقی نمانده. گویند روزی ضیا الملة والدین امیر عبدالرحمن خان یکدسته نرگس برای او فرستاد و او برای ادای تشکر فرد ذیل را نوشت:

نرگس صد برگ از دست شهنشاهم رسید
بر سر خود ماند م و بر چشم تر مالید مش

و سروده دیگری در مورد استقلال دارد شاید برای اولین بار از زبان یک زن این صدا بلند شده باشد که بیست سال بعد از وفات امیر عبدالرحمن خان تحقق یافت:

از برای خدا بلند کنید
بر سر خود لوای استقلال
باد شیرین دهان ملت ما
یا رب از میوه های استقلال
میکشم بعد از این بدیده خود
سرمه از خاک پای استقلال



بی بی حلیمه در ماه صفر سال ۱۳۰۹ هـ ق = ماه جون ۱۸۹۱ م مرض وبا (کولرا) شهریان کابل را به نابودی و نیستی می کشاند احتمالاً به کمک داکتر خانم انگلیسی که حرم امیر عبدالرحمن را تداوی مینمود ؛ سناتوریم یا شفاخانه بی در بیگنوت پغمان اعمار نمود و مردم را تداوی میکرد. همچنان امیر در پهلوی این شفاخانه ساختمان بزرگی

برای مهاجرین شهر کابل در پغمان تعمیر نمود. و هدایت داد تا واکسین مرض را که از گوساله بدست می آمد هر چه زودتر تهیه نمایند. امروز هر دو تعمیر از بین رفته و تنها تصویری از آنها در دست است.

از کار های ساختمانی دیگر بی بی حلیمه قبل از فوت؛ ساختن پل مستحکم بالای دریای پغمان در سال ۱۳۰۴ هـ ش در بیگتوت است که تا امروز به نام پل حلیمه شهرت دارد. (۲)

بی بی حلیمه در زمان حیات امیر عبدالرحمن خان شوهر خویش در گلستان سرای زندگی مینمود. در زمان امیر حبیب الله ملکه را از گلستان سرای به حرم سرای باغ بابر که توسط امیر عبدالرحمن اعمار شده بود؛ فرستاد اما در زمان شاه امان الله بی بی حلیمه مجدداً در گلستان سرای مقیم گردید.

با نهضت معارف و ایجاد مکتب نسوان مستورات؛ گلستان سرای را به مکتب مستورات که قبلاً در یک خانه کوچک در شهر آرا ایجاد شده بود به مکتب متذکره اهدا نمود و خودش در سرای هاشم خان کوچ و زندگی میکرد. در سالهای پسین این مکتب به نام لیسه زرغونه مسما گردید و تا زمانیکه تعمیر جدید مکتب در قلعه فتح الله خان اعمار گردید به آنجا نقل مکان کرد. و گلستان سرای به شاروالی کابل گذاشته شد و هنگام ایجاد پارک زرنگار دیوار های گلستان سرای برداشته شد و ضمیمه پارک گردید.

بی بی حلیمه جیغه دار از طرف پدر از قوم سادات بوده و به حج بیت الله مشرف گردیده بود و در زمان حیات به رضا و رغبت خویش خانه و دارایی خویش را به امور خیریه بخشید.

وفات بویو جان بنابر گفته ماگه رحمانی ساعت چهار و نیم صبح روز چهارشنبه ۲۰ جوزا سال ۱۳۰۴ هـ ش = ۱۰ جون سال ۱۹۲۵ م واقع شد و در جوار تمیم انصار رحمة الله علیه دفن شد. (۳)

زیرنویسها:

- ۱ - سیستانی - محمد اعظم ، سیمای زن افغان، سویدن، س ۲۰۰۴ م ، ص ۱۵۷.
- ۲ - فوفلزایی - عزیزالدین وکیلی، سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان ، بخش دوم ، اکادمی علامه رشاد، قندهار، ۱۳۹۶ ، ص ۳۱۸
- ۳ - سیستانی، ایضاً ، ص ۱۵۹ . همچنان رک : فوفلزایی - عزیزالدین وکیلی ، فرهنگ کابل باستان ، ج دوم ، کابل ، ۱۳۸۷ ، ص ۱۰۲۸ .